

# Shiraz-Beethoven.ir

پیش‌گفتار . . . . . یازده

## سرگذشت و سرنوشت

۱	سال‌های ۱۲۵۷ تا ۱۲۶۳
۳	سال‌های ۱۲۶۴ تا ۱۲۷۲
۵	سال‌های ۱۲۷۳ تا ۱۲۷۶
۷	سال ۱۲۷۷
۸	سال ۱۲۷۸
۱۱	سال ۱۲۷۹
۱۵	سال‌های ۱۲۸۰ تا ۱۲۸۲
۱۸	سال‌های ۱۲۸۳ و ۱۲۸۴
۲۲	سال‌های ۱۲۸۵ تا ۱۲۸۷
۲۳	سال ۱۲۸۸
۲۹	سال ۱۲۸۹
۳۰	سال ۱۲۹۰
۳۶	سال ۱۲۹۱
۴۰	سال ۱۲۹۲

۴۲	.....	سال ۱۲۹۳
۴۷	.....	سال ۱۲۹۴
۴۹	.....	سال ۱۲۹۵
۵۲	.....	سال ۱۲۹۶
۵۵	<b>Shiraz-Beethoven.ir</b>	سال ۱۲۹۷
۵۷	.....	سال ۱۲۹۸
۶۳	.....	سال ۱۲۹۹
۶۵	.....	سال ۱۳۰۰
۷۷	.....	سال ۱۳۰۱
۸۶	.....	سال ۱۳۰۲
۹۸	.....	سال ۱۳۰۳
۱۰۶	.....	سال ۱۳۰۴
۱۱۷	.....	سال ۱۳۰۵
۱۲۶	.....	سال‌های ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷
۱۳۳	.....	سال‌های ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹
۱۴۰	.....	سال‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱
۱۴۹	.....	سال ۱۳۱۲
۱۵۷	.....	فرازها و فرودها
۱۷۵	.....	گاه‌نامه
۱۸۵	.....	کتاب‌نامه
۱۹۳	.....	نام‌نامه

«جمهوری» در سالن گراند هتل با  
همراهی مرتضی نی‌داوود  
تشکیل پنجمین دوره‌ی مجلس  
شورای ملی  
بی‌بازگشت احمدشاه به فرنگ؛

انتشار دیوان اشعار عارف به همت  
صادق رضازاده شفق در برلین؛ ساخت  
تصنیف «ژیان هاف‌هافو شو» علیه  
مخالفان جمهوری خواهی؛ درگذشت  
برادرش، عبدالکریم؛ سفر به تبریز  
همراه با سگ‌هایش؛ برگزاری آخرین  
کنسرتش به یاد ستارخان و باقرخان  
در تالار آرامیان تبریز  
۴۶ ۱۳۰۳

بازگشت به تهران؛ نارضایتی مقامات  
ترکیه از کنسرت عارف در تبریز؛  
انتشار مقاله‌ای با عنوان «فتوای من»  
در روزنامه‌ی ستاره‌ی صبح در انتقاد  
از علی‌نقی وزیر؛ حضور جیران  
دیلم‌دخت به عنوان کلفت در خانه‌ی  
عارف؛ صیغه کردن جیران؛ ابتلا به  
بیماری حنجره و گرفتگی صدا  
سفر رضاخان به تبریز؛ تظاهرات  
جمهوری خواهان در تبریز؛ ترور  
واعظ قزوینی، مدیر روزنامه‌ی نصیحت؛  
اعلام انقراض سلسله‌ی قاجاریه؛  
برگزاری مراسم تحلیف رضاشاه پهلوی؛  
درگذشت ایرج میرزا  
۴۷ ۱۳۰۴

عدم حضور در جشن تاج‌گذاری  
رضاشاه پهلوی؛ تصمیم به خودکشی؛  
سفر به دهکرد لرستان و روستای  
گل‌زرد به دعوت حسینقلی خان  
دهکردی؛ بازگشت بیماری مالاریا؛  
مسموم و کشته شدن سگش، مینو  
توسط اهالی روستا؛ فرار به روستای  
سره‌بند در نزدیکی اراک؛ انتشار  
تصنیف‌های عارف توسط شرکت  
گرامافون با صدای قمرالملوک وزیری  
تاج‌گذاری رضاشاه پهلوی در چهارم  
اردیبهشت؛ تشکیل ششمین دوره‌ی  
مجلس شورای ملی؛ درگذشت  
غلامحسین درویش، شوریده شیرازی  
و محمدحسین قریب؛ سوء‌قصد به  
جان سید حسن مدرس  
۴۸ ۱۳۰۵

خوب و محکم می‌گفت» (ص ۶۶).

عارف تا پایان عمر نخواست مالکِ حتایک و جب زمین شود. می‌گفت «گمان می‌کردم ایران گلستان خواهد شد. [...] چرا کوتاه‌نظر باشم [و] به یک باغ و خانه و اثاثیه‌ی آن قناعت کنم» (۱۳۸۸: ۹۰). به قول محمدحسین امیرالشعرا نادری:

گهی در شهر و گاهی در بیابان  
نه خانه نه اثاثیه نه سامان  
نبودش هیچ بر چیزی تعلق  
نگشته پیشه‌اش هرگز تملق

(عارف ۱۳۵۶: ۵۱۶، ۵۱۷)

با این حال، ظاهر و جلوه‌ی بیرونی کنسرت جمهوری طوری بود که خاص و عام را به واکنش واداشت.

شاهزاده‌ی قجری، قهرمان میرزا عین‌السلطنه در یادداشت‌هایش نوشت که رضاخان «سه هزار تومان به عارف مرحمت [کرده] خانه بخرد و آن اشعار و کنسرت را تهیه کند، سوای آنچه بلیت فروخته شود» (ج ۹: ۶۸۶۸). یحیی دولت‌آبادی نوشت «پولی به شاعر معروف تجددخواه موسیقی‌دان، عارف قزوینی داده شده [تا] مجلس ساز و آوازی به افتخار جمهوری که انتظارش را دارند برپا کند. با این‌که ارباب ذوق و تجددخواهان به ساز و آواز و اشعار عارف علاقه‌مند هستند حُسن توجهی به این مجلس نمی‌کنند چون که می‌دانند آلودگی به یک مقصد سیاسی دارد» (ج ۴: ۳۵۱).

شیخ محمد خالصی زاده هم در خاطراتش آورده است «به [عارف] گفتم: تو به سر کلنل محمدتقی‌خان قسم می‌خوری و او را برجسته‌ترین چهره‌ی تاریخ ایران می‌بینی، چگونه مجیز قاتل او، سردار سپه را گفته، تأییدش می‌کنی؟ پاسخ داد: به پولی نیاز دارم تا به شمیران، بیلاق تهران

می‌گویند دو... سه کاغذ به نظمیه نوشته است. دو کاغذ ناصرالملک به نظمیه نوشته است. هیئت وزرا به نظمیه نوشتند که آدم‌های این مردیکه‌ی دیوانه را ول بکنند. هیچ مثر مثر نشده است. رئیس نظمیه گفته است بایست به حکم قانون در حق آن‌ها مجازات به عمل بیاید. کاغذهای هیچ‌یک را نخوانده است. سپهدار هم بعد از این که دیده است کاغذها سودی نبخشیده است گویا گفته است آدم‌های من نیستند. روزنامه‌ها به یک زبان ملایمتی سپهدار را عقب کرده‌اند که ما از سپهدار که قانع آزادی خواهی و قانون خواهی است انتظار نداشتیم همچو کاری بکند. [...] دیوانه‌ی خوش اقبال خودش را مفتضح کرده است. اگر کسی هم شعر [عارف] را نشنیده بود حالا شنیده است. سر زبان‌ها افتاده است» (عزیزالسلطان: ۲۶۴۶).

سپهدار اعظم دلیل انجام این کار را تعصب و نادانی گماشتگانش دانست و در پی جبران برآمد. برادرش جمشیدخان سردار کبیر، قبالی خانه‌ای را نزد عارف برد ولی او نپذیرفت. سپهدار دو باب خانه از املاکش را بدون چشم داشت در اختیار عارف قرار داد. یک خانه برای اقامت زمستانی در پیچ شمیران، پشت خندق در جنوب خیابان انقلاب کنونی که باغچه‌ای مصفا و پنج اتاق داشت و عارف از دو اتاق آن استفاده می‌کرد و بقیه خالی بودند، و خانه‌ای برای اقامت تابستانی در محله‌ی گردشگاهی تیغستان در نزدیکی رودخانه‌ی زرگنده که باغی داشت و عمارتی با سقف شیروانی و چهار اتاق در میان آن.

سیاستمداران در آن دوره به نقش و تأثیر هنرمندان در جهت دادن به تمایلات و خواسته‌های مردم واقف بودند و گاه امکاناتی در اختیار هنرمندان قرار می‌دادند تا آن‌ها را مدیون خویش گردانند. سپهدار اعظم نیز این دو خانه را به نوبت در اختیار هنرمندان قرار می‌داد. عارف چند